صاف کرده در شیشه‌ها نگاه دارد و از دو دام تا نیم پاو بنوشند ضماد اسرار الاطبا نافع
پیران و طفلان و کسی که مسهل خوردن نتوانند چون بر معده گذارند اسهال سودا کنند
و اگر زیر بغل ضماد نمایند اسهال صفرا نمایند و اگر مابین ورکین بچسبانند مسهل بلغم بود ص تربد
کندس ترمس مقشر کوفته در شیر گاو قدری که بالا باشد جوش دهند تا شیر جذب شود و در [illegible]
مساوی ترمس آمیخته بسرشته تا خوب پخته گردد بر پارچه کرپاس پهن کرده گرم گرم بر محل مطلوب
بچسبانند و چون موضع را آب سرد بشویند قطع اسهال ضماد که چون بر معده بگذارند قی
آرد و اگر بر ناف ضماد نمایند اسهال آرد و اگر بر عانه نهند بول و حیض براند ص [illegible] هر یک
مقشر عصاره قثاء الحمار هر یک سه درم خربق سفید مرداسنگ هر یک چهار درم
کوفته و بیخته پنج درم زیره تر و پنج درم موم که در ده درم روغن زیت گداخته باشند آمیخته [illegible]
پهن کرده بر موضع مطلوب نهند ضماد [illegible] نافع جهت برودت معده و کبد و طحال و محلل
اورام منقول از شفائی ص عود بلسان زعفران هر یک ده درم افسنتین رومی سلیخه سنبل الطیب
صبر سقوطری هر یک سه درم کوفته بیخته هشت درم موم سفید که در روغن ناردین یا قسط
یا زنبق گداخته باشند در هاون سنگین آمیخته ضماد نمایند ضماد اشق منقول از شفائی
نافع جهت صلابت طحال ص کوکرد دو درم اشق مقل [illegible] نمک هندی هر یک چهار درم
اشنه کزمازج هر یک شش درم سداب هشت درم کوفته بیخته و صموغ را در خل که در آن
ده عدد انجیر پخته باشند حل کرده با ادویه سرشته ضماد نمایند ضماد حی العالم ضعف قلب و کبد
و معده و [illegible] قلب گذشت ضماد که چون بر شکم ضماد کنند اسهال آورد ص [illegible] درد
زیت روغن حب الخروع با هم مخلوط نموده بکار برند ضماد نافع اورام صلبه حاره کبد و معده
ص صبر زعفران هر یک دو درم افسنتین سنبل الطیب هر یک یک درم بدستور العمل آرند ضماد معروف

ضماد صبر

سائیده در اب گرم خیسانیده جوشانیده صاف کرده با یکرطل عسل و چهار رطل قند سفید بقوام ارند شربت
خداوبقونی مفتح سده و نافع معده و جگر بارد و موافق مشایخ ص زنجبیل قرنفل سنبل الطیب هر یک
پنج درم عود هندی دارچینی هر یک سه درم زعفران دو درم سک اصلی یکدرم مشک نیم درم کوفته
در صره بسته در دو من شراب و عسل و قند جوش دهند تا بقوام اید صاف نمایند شربت فواکه مقوی احشا
و موافق ناقهین و نافع سعال و حابس بطن عصیر عنب حلو بجوشانند تا سه حصه بماند اب سیب شیرین
و به و کمثری و انار هر یک جزوی قند سفید کلاب مساوی الوزن با هم بقوام ارند شربت فواکه حامض
مقوی معده نافع قلب و وحشت و قاطع حدت صفرا و حابس قی و مفتح سده کند ص عصیر تفاح و سماق و
رمان و زعرور اب نقوع امبرباریس هر یک جزوی اب اترج و لیمو هر یک نصف جزو با هم بجوشانند
تا ثلث بماند بقدر کفایت شکر طبرزد بقوام ارند و بعضی چندان جوش دهند که نصف بماند و با
هموزن قند سفید بقوام ارند شربت فواکه شیرین اب به شیرین و سیب و انار قند سفید کلاب مساوی الوزن
با هم بقوام ارند شربت فواکه معتدل در شیرینی و ترشی معمول متاخرین موافق ناقهین و مقوی
احشا و قوی احشای حاره ص اب انار شیرین اب به شیرین و ترش اب سیب ترش و شیرین
اب امرود ترش و شیرین هر یک جزوی اب زعرور اب زرشک هر یک نیم جزو قند سفید
ثلث وزن جمع اجزا بدستور ترتیب دهند و بعضی زیاده میکنند عصیر عنب یک جزو اب حصرم نصف جزو
و بعضی افزایند اب حصرم و عصیر سماق هر یک نصف جزو شربت فودنج مشتهی و دافع قی و موافق
ص اب فودنج رطب جزوی اب انار ترش که با شحم فشرده باشند دو جزو شکر طبرزد بوزن هر دو
بقوام ارند ایضا مقوی قلب و کبد و مشتهی طعام ص اب فودنج لبانی نصف پیاله اب
زرشک صد مثقال قند سفید چار صد مثقال بقوام ارند شربت قطف نافع بقی در معلومات
مرقوم است شربت کمثری مسکن عطش صفراوی و اسهال و مقوی معده ص کمثری که نضج نیافته باشد

برگ مورد آمیخته بر معده ضماد کنند **ضماد** نافع هیضه و مسکن قی **ص** گلسرخ سک اصلی هر یک
پنج درم صندل سفید رامک هر یک چهار درم عود هندی سه درم زعفران یکدرم کافور
یکدانگ بدستور اول بعمل آرند **ضماد مسهل** مرارهٔ بقر روغن زیتون شحم حنظل از هر یک مساوی
بدستور ترتیب داده بر معده و بر ناف ضماد کنند **طبیخ** نافع ضعف معده **ص**
افسنتین پنج درم گلسرخ چهار درم سنبل الطیب دو درم در یک رطل آب جوشانند
تا ثلث بماند صاف کرده ده درم ترنجبین در آن حل نموده بیاشامند **طبیخ** از مجربات
حکیم مصری برای آنکه طعام هضم نشود بوجه احسن و بعد از خوردن شکم نفخ کند و این منضج بقول اللغنة است
ص ورق سنا مکی شش ماشه گل خطمی خبازی شش ماشه تخم تقل دو ماشه زنجبیل چهار ماشه پوست هلیله زرد
بادیان هر یک شش ماشه انیسون نانخواه هر یک چهار ماشه پرسیاوشان تخم کرفس هر یک دو ماشه
اصل السوس چهار ماشه مویز منقی تولهٔ انجیر دو دانه ترنجبین مصفی چهار ماشه گلقند آفتابی دو توله
تا پنج روز و بعد آن نخود آب و مسهل آن **طبیخ اکلیل الملک** نافع ورم معده بلغمی **ص** اکلیل الملک
بیخ بادیان هر یک ده درم در چهار رطل آب جوشانند تا ربعی بماند صاف نموده در صبح بقدر
چهار وقیه با دو درم روغن خروع و سه درم روغن بادام آمیخته بیاشامند **طبیخ** برای
هیضه بعد فراغ قی بابت حکیم محمد جعفر **ص** انیسون شش ماشه بادیان شش ماشه مصطگی شش ماشه
زیرهٔ سیاه شش ماشه عود غرقی سه ماشه در دو آثار آب جوش داده تا که نصف بماند بقدر
سه توله نوشند و همین قدر در یکروز دو سه بار بعمل آرند **طبیخ حب الرمان** مقوی معده و
حابس قی **ص** حب الرمان ده درم مصطگی نعناع هر یکدرمی با یک رطل آب جوشانند تا ثلث باشد
صاف نموده عود غرقی سک هر یکدرمی کوفته آمیخته بیاشامند **طبیخ خبث الحدید** جهت اصلاح
حرارت مزاج و ضعف معده مؤثر **ص** خبث الحدید پوست بلیله و هلیله زرد و هلیلهٔ سیاه آمله گلنار

از هر یکی

ن منضج

امیخته بقوام ارند و یکروز در افتاب دارند شربت سی درم تا چهل درم با ملوقه سکنجبین ساده
واب برف با یخ یا اب سرد نسخه دیگر از یحیی بن عیسی مسکن التهاب معده و مسکن عطش
و مسهل بطن ص یک رطل ورد در ده رطل اب جوشانند تا چار من بماند صاف کرده با یکمن قند سفید
بقوام ارند شربت یکوقیه تا چهار وقیه با سکنجبین واب برف واگر اسهال قوی خواهند و
مسهل صفرای رقیق خواهند پنج مرتبه تا هفت مرتبه بدستور تجدید گل نمایند و شماهی جهت
اسهال قوی سقمونیا بقدر حاجت افزایند نسخه ذخیره بابت ذخیره مسهل صفرا و بلغم ص
دو من ورق گل در ده من اب بجوشانند تا طعم و رنگ ان در اب اید مالیده صاف کرده
با دو من ورد امیخته جوشانیده صاف نموده با دو من عسل بقوام ارند و گفته است حکیم سدید
کازرونی که بجهت محرورین بهتر است بار ورد مکرر کنند و بدل عسل شکر نمایند شرابی که
مسهل صفرا است ص گل گاوزبان و بنفشه و شاهتره هر یک ده مثقال تمر هندی منقی زرشک
عنابه هر یک چهل مثقال اجاص خراسانی اجاص اسود هر یک صد عدد همه را در دو رطل اب
شب خیسانیده صبح جوشانند تا نصف بماند صاف کرده با صد مثقال شیرخشت و یکصد و پنجاه
مثقال ترنجبین بقوام ارند شربت در هفته یکوقیه بقدر حاجت شربت گودهل نافع صلابت معده
و اوجاع ان و مشتهی و هاضم و دافع قبض ص گل گودهل یکصد و یک عدد اب لیمو یکمن باو
عالم کبری نبات یک سیر و یاد بالا عالم کبری گل گاوزبان گلسرخ بیخ لفاح بیخ شبیبی
هر یک بیخ اوله بهمن سفید بهمن سرخ هر یک سه توله اب انار شیرین دو نیم پاو گلاب
عرق گاوزبان عرق بیدمشک هر یک یکنیم پاو عرق نیلوفر اب باران ما اب دریا هر یک
دو نیم پاو ادویه کوفته و گلها مالیده در عرق لیمو خمیر کنند چون خمیر تیار شود عرقات و گلاب
واب انار شیرین واب دریا و نبات بیامیزند و نگهدارند چون از خود جنبد جوش خورد

شربت چهار توله **عرق جو پخته** مقوی معده در باب باه بیاید ان شاء الله ۲ و در باب اول گذشت **عرق**
مسمی به چهار عرق موافق مبرودین و مشایخ و محلل ریاح و مجرب النفع جهت ورم و درنجه و درد معده
و قولنج **ص** بادیان نانخواه اذخر صعتر مساوی بهم شب در آب خیسانیده صبح عرق کشند و گاهی بجای اذخر
وج ترکی همانقدر اندازند و گاهی بجای صعتر و اذخر همانقدر دارچینی و ترنجبیل می اندازند **عرق**
حیدری از تالیف حکیم حیدر علی بن عین الملک شیرازی **ص** رازیانه استار طبی نانخواه کمون
کرمانی زیره هر یک دو نیم استار طبی بکوفته در بیست استار تا بجهائی عرق شکری خیسانیده
عرق کشند **عرق زرنباد** گرم و خشک و محلل ریاح و نفخ و مفرح و نافع نهش هوام و ریاح رحم و دافع
بوی شراب و ثوم وغیره و در تریاق در عمدة الصحیحه داخل میشود **ص** زرنباد بکوفته شب در آب
خیسانیده صبح عرق کشند **عرق** مقوی معده و هاضم طعام و دافع ریاح غلیظ **ص** سنبل الطیب
ربع رطل سادج اسفنبون دارچینی سلیخه قاقله خولنجان قرنفل نانخواه نعناع هر یک ده درم عود
هندی پنج درم همه شب در آب خیسانیده عرق کشند شربت ده درم تا بیست درم
عرق فودنج مقوی معده و هاضم و مشتهی طعام و نافع قی و غثیان و محلل ریاح **ص** فودنج
تازه یا خشک در آب خیسانیده بدستور عرق کشند و اگر خواهند هیل افزایند **عرق**
کبریت در غایت حرارت و یبوست و مفرح اعضا و سریع النفوذ و ملطف و جالی و مفتح
و مشتهی طعام و موافق مبرودین و مرطوبین و در تحلیل و تلطیف فضلات قوی الاثر
بگیرند قندیل دامن فراخ **عود العطاش** یعنی بکهکنی دوائیست عجیب برای فواق
و عود قماری محرق سائیده و عسل بسرشته سه چهار مرتبه لعق نمایند **عرق نانخواه** هاضم و مشتهی
و دافع قولنج و امراض ریحی **ص** نانخواه شب در آب تر کرده صبح عرق کشند **عرق نعناع کرمست**
عجیب هاضم و مشتهی **ص** جوز بوا قرنفل فلفل سیاه هر یک ده توله خردل نیم پاؤ دانه هیل

[illegible]

فلفل دراز